

پیامدهای عدم نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه

غلامحسین بزرگمنش

مقدمه

در این مقاله، قصد داریم بدون اینکه وارد جزییات و ارقام و عملکرد واقعی (مثلاً تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعداد شعب آنها، حجم سپرده‌ها، میزان وام‌های پرداختی، نسبت سپرده‌های آنها به سپرده‌های سیستم بانکی) شویم، با طراحی یک مدل نشان دهیم که چگونه این مؤسسات که با اهداف خیرخواهانه و یاری رساندی به افراد تهیدست و نیازمند جامعه تأسیس شده و اداره می‌شوند، به دلیل فقدان نظارت بر فعالیت آنها، ممکن است سیاست پولی کشور را که علی‌الاصول هماهنگ با سایر سیاست‌های اقتصادی تنظیم می‌شود، کم‌رنگ کرده و رسیدن به اهداف تعیین شده اقتصادی را با دشواری مواجه سازند.

ساختار مدل

در این مدل، فرض شده است که بخش مالی شامل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری غیربانکی (مشابه صندوق‌های قرض‌الحسنه)، نهاد نظارتی (بانک مرکزی)، و مردم (پس‌اندازکنندگان و وام‌گیرندگان) می‌باشد. بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه، پس‌اندازهای مردم (A) را در قالب انواع حساب‌های سپرده نگهداری می‌کنند. پس‌انداز مردم نزد بانک‌ها مشمول سپرده قانونی به نرخ (rr) می‌باشد، در حالیکه صندوق‌های قرض‌الحسنه به دلیل خارج بودن از کنترل و نظارت بانک مرکزی ملزم به تودیع سپرده قانونی نیستند. هم بانک‌ها و هم صندوق‌ها بخشی از سپرده‌های خود را به عنوان ذخیره احتیاطی به صورت وجه نقد نگهداری می‌کنند. این نسبت در بانک‌ها برابر (er) و در صندوق‌ها برابر (q) است. باقیمانده سپرده‌ها (پس از کسر سپرده قانونی در بانک‌ها) به صورت وام و تسهیلات در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. به منظور سهولت محاسبات، نرخ سپرده قانونی و ذخیره احتیاطی بانک‌ها را مجموعاً با (r) نشان می‌دهیم. و آخرین فرض اینکه در جامعه تمایلی برای نگهداری وجه نقد وجود نداشته و وجوه به صورت انواع سپرده‌ها در بانک‌ها یا صندوق‌های قرض‌الحسنه نگهداری می‌شود.

پیاده‌سازی و حل مدل

با توجه به مفروضاتی که در قسمت ساختار مدل توضیح داده شد، مدل را با دو سناریوی مختلف حل کرده و آنگاه نتایج را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم.

سناریوی اول: وجوه ابتدا در بانک‌ها سپرده‌گذاری شده و سپس بخشی از تسهیلاتی که بانک‌ها با اتکای به این منابع پرداخت می‌کنند، به صورت سپرده جذب صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌شود. فرض کنیم که از هر تسهیلاتی که سیستم بانکی پرداخت می‌کند، قسمتی از آن (با ضریبی معادل a مثلاً ۲۵٪) به صورت سپرده جدید وارد صندوق‌های قرض‌الحسنه شده و باقیمانده (با ضریب 1-a مثلاً ۷۵٪) مجدداً وارد سیستم بانکی شده و سپرده‌گذاری می‌شود. حال، اگر سپرده جدیدی معادل A_1 واحد در یک بانک ایجاد شود (از آنجا که هدف ما مقایسه سیستم بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه است، بانک‌ها و صندوق‌ها را هر یک به صورت یک مجموعه دیده و با عنوان بانک و صندوق از آنها یاد می‌کنیم)، اولین تسهیلاتی که بانک به اتکای این سپرده پرداخت می‌کند، برابر خواهد بود با:

$$C_1=A_1(1-r)$$

و طبق مفروضات مدل آن بخشی از این تسهیلات که به بانک برگشت شده و مجدداً سپرده‌گذاری می‌شود:

$$A_2=(1-a)C_1=A_1(1-a)(1-r)$$

و تسهیلاتی که بر اساس این سپرده جدید قابل پرداخت خواهد بود:

$$C_2=A_2(1-r)=A_1(1-a)(1-r)^2$$

باز هم بخشی از این تسهیلات جدید به صورت سپرده جدید در سیستم بانکی وارد می‌شود:

$$A_3=(1-a)C_2=A_1(1-a)^2(1-r)^2$$

و تسهیلات اعطایی جدید به اتکای این سپرده:

○ سیاست‌های پولی با استفاده از ابزار نرخ سپرده قانونی - چه در جهت انبساطی و چه در جهت انقباضی - بر مؤسسات خارج از نظارت بانک مرکزی بدون تاثیر است.



$C_3=A_3(1-r)=A_1(1-a)^2(1-r)^3$

و با همین استدلال می‌توان nامین تسهیلات را با فرمول زیر محاسبه کرد:

$C_n=A_1(1-a)^{n-1}(1-r)^n$

مجموعه مقادیر C_1، C_2، ... C_n برابر کل اعتباری است (F) که سیستم بانکی با یک سپرده‌گذاری اولیه به مقدار A_1 قادر به خلق آن بوده است.

$F=\Sigma_n^{i=1}C_i$

اما از سوی دیگر، مقادیر C_1 تا C_n یک تصاعد هندسی را تشکیل می‌دهند که جمله اول آن برابر عبارت $A_1(1-r)$ و قدر نسبت آن $(1-a)(1-r)$ است. می‌دانیم که مجموع n جمله یک تصاعد هندسی از رابطه $S_n=a(r-1)/(r-1)$ بدست می‌آید که در آن a جمله اول و r قدر نسبت است. بنابراین، می‌توان نوشت:

$$F=\frac{A_1(1-r)\{[(1-a)(1-r)^n]-1\}}{(1-a)(1-r)-1}$$

وقتی که n به سمت بینهایت میل می‌کند، عبارت $[(1-a)(1-r)]^n$ به سمت صفر میل می‌کند، چرا که حاصل هر دو عبارت داخل پرانتزها اعداد کوچکتر از واحد (اعشاری) هستند و حاصلضرب آنها هم عددی کوچکتر از واحد خواهد بود، و اینگونه اعداد هر چه به توان بزرگتر برسند، کوچکتر می‌شوند تا جاییکه نزدیک به صفر می‌شوند. بنابراین، حاصل این عبارت برابر خواهد بود با:

$$F=\frac{A_1(1-r)(o-1)}{(1-a)(1-r)-1}=\frac{-A_1(1-r)}{(1-a)(1-r)-1}$$

$$F=\frac{A_1(1-r)}{1-(1-a)(1-r)} \qquad (۱)$$

اما برای محاسبه سپرده‌های ایجاد شده در صندوق‌های قرض‌الحسنه و وام‌های اعطایی آنها به یاد بیاوریم که اولین تسهیلات اعطایی بانک‌ها برابر بود با:

$C_1=A_1(1-r)$

و فرض کردیم که بخشی از این تسهیلات با ضریب (a) جذب صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌شود. اگر اولین سپرده ایجاد شده در صندوق در اثر سپرده‌گذاری اولیه در بانک را A'_1 بنامیم، می‌توان نوشت:

$A'_1=a.C_1=A_1(1-r)a$

و اولین وام اعطایی صندوق، یعنی :

$C'_1=A'_1(1-q)=A_1(1-r)(1-q)a$

دومین سپرده جدید ایجاد شده در صندوق در اثر دومین تسهیلات اعطایی بانک عبارت خواهد بود از:

$A'_2=a.C_2=a[A_1(1-a)(1-r)^2]$

$A'_2=A_1(1-a)(1-r)^2.a$

و سومین سپرده به طور مشابه:

$A'_3=a.C_3=a.[A_1(1-a)^2(1-r)^3]$

$A'_3=A_1(1-a)^2(1-r)^3.a$

و بالاخره n امین سپرده:

$A'_n=A_1(1-a)^{n-1}(1-r)^n.a$

مجموعه مقادیر A'_1، A'_2، ... A'_n کل سپرده‌های ایجاد شده در صندوق (S') در اثر سپرده‌گذاری اولیه (A_1) در بانک را به دست می‌دهد.

$S'=\Sigma_n^{i=1}A'_i$

اما جملات A'_1 تا A'_n یک تصاعد هندسی را تشکیل می‌دهد که جمله اول آن $A_1=(1-r)a$ و قدر نسبت آن $(1-a)(1-r)$ است و مجموع این جملات برابر خواهد بود با:

$$S'=\frac{A_1(1-r)a\{[(1-a)(1-r)]^n-1\}}{(1-a)(1-r)-1}$$

با استدلال مشابه آنچه گفته شد، وقتی n به سمت بینهایت میل کند، می‌توان نوشت:

$$S'=\frac{A_1(1-r)a(o-1)}{(1-a)(1-r)-1}$$

$$S'=\frac{A_1(1-r)a}{1-(1-a)(1-r)} \qquad (۲)$$

و با جایگزینی و استفاده از فرمول شماره (۱) خواهیم داشت:

$S'=F.a$ (۳)

کل میزان وامی که صندوق از محل مجموع این سپرده‌ها پرداخت می‌کند (L) پس از کسر q درصد به عنوان ذخیره احتیاطی برابر خواهد بود با:

$L=S'(1-q)$

و با استفاده از رابطه (۳) می‌توان نوشت:

$L=F.a(1-q)$ (۴)

با استفاده از رابطه (۴)، نسبت وام‌های اعطایی صندوق به تسهیلات اعطایی بانک (W) یا در واقع، اعتبارات خلق شده توسط این دو بخش مالی در اثر سپرده‌گذاری اولیه معادل A_1 در بانک را می‌توان به صورت زیر بدست آورد:

$$W=L/F=\frac{F.a(1-q)}{F}$$

و با ساده کردن کسر نتیجه می‌شود:

$W=a(1-q)$ (۵)

همانگونه که از رابطه (۵) روشن می‌شود، نسبت اعتبارات ایجاد شده توسط صندوق، به اعتبارات ایجاد شده توسط بانک صرفاً تابع دو متغیر a (میزان جذب وجوه حاصل از اعتبارات بانک به صندوق) و q (نسبت ذخیره احتیاطی صندوق به حجم سپرده‌های آن) است. همچنین، می‌توان دید که رابطه W با a مستقیم و با q معکوس است. به عبارت دیگر، هر چه میزان وجوه جذب شده به صندوق (نسبت به وجوه جذب شده به بانک) بیشتر و هر چه نسبت ذخیره احتیاطی صندوق به مانده سپرده‌هایش کمتر باشد، W افزایش خواهد یافت. برای تعیین میزان اثر تغییر هر یک از این متغیرها بر نسبت اعتبارات، از

○ تغییرات ذخایر بانک‌ها و به ویژه تغییرات سپرده قانونی که به عنوان یک ابزار سیاست پولی و به منظور کنترل حجم اعتبارات در اختیار بانک مرکزی است، هیچگونه تأثیری بر نسبت اعتبارات ایجاد شده توسط صندوق‌ها نسبت به اعتبارات ایجاد شده توسط بانک‌ها نخواهد داشت.

رابطه (۵) یکبار نسبت به a و یکبار نسبت به q مشتق می‌گیریم:

$d_W/d_a=1-q$ (۶)

$d_W/d_q=-a$ (۷)

حال، می‌توان با استفاده از رابطه (۶) نشان داد که هر تغییر در جذب وجوه به صندوق (d_a) باعث تغییر در W با ضریب (1-q) می‌شود. همچنین، با استفاده از رابطه (۷) می‌توان گفت که هر تغییری در ذخیره احتیاطی صندوق (d_q) باعث تغییر در W با ضریب a- می‌شود. علامت منفی در جلوی پارامتر نشانه جهت مخالف تغییرات q و تغییرات W است. نکته مهمی که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، آن است که در هیچیک از روابط ۶ و ۷ اثری از متغیر r به چشم نمی‌خورد. به یاد داریم که r را نماینده مجموع نرخ‌های سپرده قانونی و ذخیره احتیاطی بانک‌ها قرار دادیم. به بیان روشن‌تر، می‌توان نتیجه گرفت که در این مدل و با این سناریو، تغییرات ذخایر بانک‌ها و به خصوص تغییرات سپرده قانونی که به عنوان یک ابزار سیاست پولی و به منظور کنترل حجم اعتبارات در اختیار بانک مرکزی است، هیچگونه تأثیری بر نسبت (و نه حجم یا مقدار) اعتبارات ایجاد شده توسط صندوق‌ها نسبت به اعتبارات ایجاد شده توسط بانک‌ها نخواهد داشت. توضیح این امر نیز چنین است که هر گونه تغییر در نرخ سپرده قانونی ابتدا بر قدرت وام‌دهی بانک‌ها تأثیر نموده و از آن طریق، بر سپرده‌های جدید و در نهایت، به تناسب بر توانایی وام‌دهی صندوق‌های قرض‌الحسنه اثر می‌گذارد، به نحوی که نسبت اعتبارات بانک‌ها به اعتبارات صندوق‌ها بدون تغییر باقی می‌ماند.

سناریوی دوم: وجوه ابتدا در صندوق‌ها سپرده‌گذاری شده و بر این اساس، صندوق‌ها توانایی اعطای وام پیدا می‌کنند. بخشی از وام‌های اعطایی صندوق به صورت سپرده جذب بانک‌ها شده و از آن طریق، بانک نیز پس از کسر ذخایر لازم، مازاد را به صورت تسهیلات پرداخت می‌نماید. حال، در این سناریو سپرده جدید برابر A'_1 در صندوق ایجاد می‌شود. اولین وامی که صندوق به اتکای این سپرده پرداخت می‌کند، برابر خواهد بود با:

$C'_1=A'_1(1-q)$

و طبق مفروضات مدل، آن بخشی از وام پرداختی که مجدداً به صورت سپرده به صندوق بر می‌گردد، برابر خواهد بود با:

$A'_2=a.C'_1=A'_1.a(1-q)$

و وامی که با اتکای به این سپرده جدید پرداخت می‌شود، از رابطه زیر به دست می‌آید:

$C'_2=A'_2(1-q)=A'_1.a(1-q)^2$

و باز هم بخشی از این وام به صورت سپرده جدید وارد صندوق می‌شود:

$A'_3=a.C'_2=A'_1.a^2(1-q)^2$

و وام اعطایی به اتکای این سپرده جدید:

$C'_3=A'_3(1-q)=A'_1.a^2(1-q)^3$

و با همین نحو می‌توان n امین وام را محاسبه کرد:

$C'_n=A'_1a^{n-1}(1-q)^n$

مجموعه مقادیر C'_1 تا C'_n برابر کل اعتبار و وامی است که صندوق در اثر سپرده‌گذاری اولیه A'_1 ایجاد کرده است. مشابه استدلال‌های تکرار شده در سناریوی قبل با استفاده از فرمول مجموع n جمله تصاعد هندسی می‌توانیم بنویسیم:

$L'=\Sigma_{i=1}^{n}A'_i$

مشابه قبل با استفاده از فرمول مجموع تصاعد هندسی که جمله اول آن A(1-q) و قدر نسبت آن a(1-q) است، می‌توان نوشت:

$$L=\frac{A'_1(1-q)\{[a(1-q)]^n-1\}}{a(1-q)-1}$$

وقتی n به سمت بینهایت میل می‌کند، $(1-q)^n$ به سمت صفر میل کرده و بنابراین:

$$L=\frac{A'_1(1-q)(o-1)}{a(1-q)-1}$$

و با ضرب کردن صورت و مخرج کسر در علامت منفی (-) خواهیم داشت:

$$L=\frac{A'_1(1-q)}{1-a(1-q)} \quad (۸)$$

از سوی دیگر، بخشی از وام‌های پرداختی صندوق به صورت سپرده جدید جذب بانک می‌شود. به یاد داریم که اولین وام اعطایی صندوق برابر بود با:

$C'_1=A'_1(1-q)$

بنابراین، اولین سپرده ایجاد شده در بانک تحت تأثیر این وام مساوی خواهد بود با:

$A_1=C'_1(1-a)=A'_1(1-q)(1-a)$

و با استدلال و روش مشابه، دومین سپرده ایجاد شده از رابطه زیر به دست می‌آید:

$A_2=C'_2(1-a)=A'_1.a(1-q)^2(1-a)$

و سومین سپرده:

$A_3=C'_3(1-a)=A'_1.a^2(1-q)^3(1-a)$

و همینطور n امین سپرده برابر خواهد بود با:

$A_n=A'_1.a^{n-1}(1-q)^n(1-a)$

مجموعه سپرده‌های جدید ایجاد شده در بانک (S) برابر جمع A_1 و A_2 و ... A_n است که از فرمول مجموع جملات تصاعد هندسی که اولین جمله آن $A'_1(1-q)(1-a)$ و قدر نسبت a(1-q) است:

$$S=\frac{A'_1(1-q)(1-a)\{[a(1-q)]^n-1\}}{a(1-q)-1}$$

وقتی که n به سمت بینهایت میل کند، جمله $(1-q)^n$ به سمت صفر میل کرده و در نتیجه:

$$S=\frac{A'_1(1-q)(1-a)}{1-a(1-q)} \quad (۹)$$

و با قرار دادن مقدار مساوی L از رابطه ۸ در رابطه ۹ می‌توان نوشت:

$S=L(1-a)$ (۱۰)

با توجه به اینکه مجموع نرخ سپرده قانونی و ذخیره



○ هر چه میزان وجوه جذب شده به صندوق‌های قرض‌الحسنه (نسبت به وجوه جذب شده به بانک‌ها) بیشتر شود و نسبت ذخیره احتیاطی‌شان به مانده سپرده‌هایشان کمتر باشد، نسبت وام‌های اعطایی صندوق‌ها به تسهیلات اعطایی بانک‌ها افزایش خواهد یافت.



احتیاطی برابر r فرض شده، کل اعتباری (F) که بانک با مجموع سپرده‌ها (S) قادر به خلق آن خواهد بود، از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$F=S\times\frac{1}{r}$$

$$F=L\times\frac{1-a}{r} \qquad (۱۱)$$

با استفاده از روابط ۸ و ۱۱، نسبت اعتبارات ایجاد شده در صندوق، به اعتبارات ایجاد شده در بانک W' در اثر یک سپرده‌گذاری اولیه در صندوق را می‌توان به صورت زیر محاسبه کرد:

$$W'=L/F=\frac{L}{L\frac{1-a}{r}}$$

با حذف عامل L از صورت و مخرج کسر خواهیم داشت:

$$W'=\frac{r}{1-a} \qquad (۱۲)$$

رابطه ۱۲ نشان می‌دهد که نسبت اعتبارات خلق شده توسط صندوق، به اعتبارات ایجاد شده توسط بانک، یعنی W' فقط تابع دو متغیر r (مجموع نرخ سپرده قانونی و ذخیره احتیاطی بانک) و 1-a (میزان جذب وجوه حاصل از عملیات وام‌دهی صندوق به بانک) است. روشن است که رابطه W' با متغیر r رابطه مستقیم و با متغیر 1-a رابطه معکوس است. به عبارت دیگر، در صورت ثابت بودن سایر متغیرها، هر چه r افزایش یابد، نسبت W' هم افزایش خواهد یافت و بر عکس، هر چه 1-a افزایش یابد و یا در واقع a کاهش پیدا کند، W' کاهش خواهد یافت. برای تعیین میزان اثر تغییر هر یک از این متغیرها بر نسبت اعتبارات، از رابطه ۱۲ یکبار نسبت به r و یکبار نسبت به a مشتق می‌گیریم:

$$d_W'/d_r=\frac{1(1-a)-o(r)}{(1-a)^2}\rightarrow d_W'/d_r=\frac{1}{1-a} \qquad (۱۳)$$

$$d_W'/d_a=\frac{o(1-a)-1(-r)}{(1-a)^2}\rightarrow d_W'/d_a=\frac{r}{(1-a)^2} \qquad (۱۴)$$

رابطه ۱۳ را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که هر تغییری در نرخ سپرده قانونی یا نرخ ذخیره احتیاطی بانک‌ها و یا هر دو (d_r) با ضریبی معادل 1/(1-a) باعث تغییر نسبت اعتبارات می‌شود که این تغییرات هم جهت است. از آنجا که حاصل عبارت 1-a یک عدد کوچکتر از واحد و مثبت است، ضریب 1/(1-a) عدد مثبت و بزرگتر از واحد خواهد بود، یعنی که هر تغییر در نرخ سپرده قانونی یا ذخیره احتیاطی اثری هم جهت و بزرگتر از آن بر نسبت سپرده‌ها می‌گذارد. میزان این تأثیر هم به متغیر a بستگی دارد؛ هر چه a بزرگتر و در واقع 1-a کوچکتر باشد، یعنی هر چه آن بخشی از وام‌های اعطایی صندوق که جذب بانک می‌شود، کمتر باشد، اثر تغییرات نرخ سپرده قانونی بر تغییرات نسبت اعتبارات خلق شده توسط صندوق، به اعتبارات ایجاد شده توسط بانک بیشتر خواهد بود. به بیان دیگر، سیاست‌های پولی با استفاده از ابزار نرخ سپرده قانونی - چه در جهت انبساطی و چه در جهت انقباضی - بر مؤسسات خارج از نظارت بانک مرکزی بدون تأثیر است.

○ چون ابزارهای کمی کنترل مستقیم سیاست‌های پولی برای کنترل اعتبارات صندوق‌های قرض‌الحسنه فاقد کارایی است، لذا ممکن است اینگونه صندوق‌ها به دلیل خارج بودن از حیطه نظارتی و احساس آزادی عمل بیشتر، عملاً با کاهش نرخ ذخیره احتیاطی خود به قیمت افزایش منابع برای اعطای وام، با افزایش ریسک نقدینگی روبرو شوند و در شرایط بحران به دام ورشکستگی بیفتند.

همچنین، رابطه شماره ۱۴ نشان می‌دهد که هر تغییری در نرخ جذب وام‌های اعطایی صندوق به بانک با ضریبی برابر $r/(1-a)^2$ بر نسبت اعتبارات و هم جهت با آن اثر می‌گذارد. مشابه روش فوق می‌توان استدلال کرد که چون حاصل عبارت 1-a عددی کوچکتر از واحد است، نتیجه عبارت $(1-a)^2$ هم عددی کوچکتر از واحد و مثبت خواهد بود. بنابراین، اندازه ضریب، متأثر از نرخ سپرده قانونی (r) خواهد بود، یعنی هر چه این نرخ بالاتر باشد، اندازه ضریب و در واقع، میزان تأثیرگذاری تغییر نرخ جذب بر نسبت وام‌های اعطایی صندوق به اعتبارات خلق شده توسط بانک بیشتر خواهد بود.

محدودیت‌های مدل

یکی از محدودیت‌هایی که در بخش ساختار مدل جزو مفروضات آورده شد، آن بود که در جامعه تمایل به نگهداری پول نقد صفر است. روشن است که چنین فرضی با واقعیات موجود تطبیق نداشته و در همه جوامع، مردم کم یا بیش بخشی از درآمد خود را به دلایل گوناگون به صورت نقد نگهداری می‌کنند و تنها تفاوت در میزان و درصد پول نقد (اسکناس و مسکوک) به کل نقدینگی جامعه است. این فرض صرفاً برای ساده کردن مدل آورده شد و می‌توان تصور کرد که تبدیل بخشی از تسهیلات بانکی یا وام‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه به اسکناس و مسکوک و عدم سپرده‌گذاری مجدد آن در سیستم مالی، به یک نسبت بر اعتبارات بانکی و وام‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه اثر گذاشته و در نتیجه، نسبت وام‌ها به تسهیلات چندان تغییری نکند. بدین ترتیب، می‌توان کماکان با وجود این محدودیت، نتایج حاصل از مدل را قابل استناد دانست.

محدودیت دوم، در سناریوهای دوگانه و نحوه سپرده‌گذاری اولیه بود که در سناریوی اول فرض شد وجوه ابتدا در بانک سپرده شده و سپس بخشی از تسهیلات اعطایی بانک به اتکای این سپرده جذب صندوق قرض‌الحسنه می‌شود؛ و در سناریوی دوم، عکس این وضعیت حاکم بود. طبیعی است که این چنین ترتیب و مرزبندی دقیقی از واقعیت به دور است و وجوه نقد و سپرده‌ها با واسطه سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان به طور دایم در حال نقل و انتقال و گردش بین بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه هستند. در عین حال، تأثیر این محدودیت بر نتایج مدل را نیز می‌توان صرفاً در میزان اثر و اهمیت متغیرهای مورد بحث دید که این امر خدشه‌ای به استدلال‌ها و نتایج حاصله (حداقل از نظر کیفی) وارد نمی‌سازد.

نتیجه‌گیری

بر اساس مفروضات مدل، نسبت وام‌ها و اعتبارات خلق‌شده توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه به تسهیلات اعتباری خلق شده توسط بانک‌ها ناشی از یک سپرده‌گذاری اولیه از روابط شماره ۵ و ۱۲ به دست آمد:

$$W=a(1-q) \quad (۵)$$

$$W=\frac{r}{1-a} \quad (۱۲)$$

۱) در هر دو رابطه بالا متغیر a وجود دارد و تغییرات W و W' (هر دو پارامتر، نسبت وام‌ها و اعتبارات در دو سناریوی مختلف را نشان داده و مفهومی یکسان دارند) رابطه مستقیم و هم جهتی با این متغیر دارند. روشن است که هر چه جذب وجوه و سپرده‌ها به سوی صندوق‌ها بیشتر شود، قدرت وام‌دهی آنها افزونتر می‌شود. اگر a و در واقع (1-a) را نمادی از میزان استقبال جامعه از سیستم بانکی و معرف درجه اعتماد به این مجموعه در نظر بگیریم، می‌توان گفت که این عامل تا حدود بسیار زیادی در اختیار خود بانک‌ها بوده و مقام نظارتی چندان تأثیری بر آن نخواهد داشت.

۲) در رابطه شماره ۵ عامل r و در رابطه شماره ۱۲ عامل q غایب هستند، علت هم به مفروضات مدل بر می‌گردد. متغیر اول (مجموع نرخ سپرده قانونی و نرخ ذخیره احتیاطی بانک‌ها) برای بانک‌ها و متغیر دوم (نرخ ذخیره احتیاطی صندوق‌های قرض‌الحسنه) برای صندوق‌ها عوامل محدود کننده قدرت وام‌دهی و خلق اعتبار آنها است. در سناریوی اول، چون سپرده‌گذاری اولیه و اعطای اعتبار از بانک‌ها شروع می‌شود، تغییرات r روی حجم اعتبارات بانکی اثر گذاشته و طبعاً در مرحله بعد، آن بخشی از این اعتبارات را که جذب صندوق‌ها شده و پایه‌ای برای وام‌دهی آنها می‌شود، متناسباً تحت تأثیر قرار می‌دهد و به همین جهت، W بدون تغییر باقی می‌ماند.

در سناریوی دوم، بر عکس چون سپرده‌گذاری اولیه در صندوق‌ها شده و آغازگر اعطای وام صندوق‌ها هستند، تغییرات q روی میزان وام‌های پرداختنی صندوق‌ها و به تناسب آن روی بخشی از وام‌ها که جذب بانک‌ها شده و منابع اعتباری آنها را تأمین می‌کند، مؤثر بوده و با وجود تغییرات حجم وام‌های صندوق‌ها و اعتبارات بانک‌ها نسبت آنها به یکدیگر بدون تغییر باقی می‌ماند. اگرچه استفاده از ابزار تغییر نرخ سپرده قانونی در زمان اجرای سیاست پولی انقباضی در پاره‌ای از اوقات ممکن است به دلیل وجود ذخایر مازاد و استفاده بانک‌ها از این ذخایر، تأثیر مورد نظر بانک مرکزی را نداشته باشد، اما مجری سیاست پولی ممکن است از ابزارهای کمی کنترل[۵] مستقیم (تعیین سقف و حدود اعتبارات برای بانک‌ها) به منظور تأمین اهداف سیاست‌های پولی استفاده کند، در حالیکه این ابزارها برای کنترل اعتبارات صندوق‌های قرض‌الحسنه فاقد کاربرد است. حتی ممکن است این صندوق‌ها به دلیل خارج بودن از حیطه نظارتی و احساس آزادی عمل بیشتر، با کاهش نرخ ذخیره احتیاطی خود به قیمت افزایش منابع برای اعطای وام، با افزایش ریسک نقدینگی روبرو شده و در شرایط بحرانی به دام ورشکستگی بیفتند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که عامل (r) اگرچه در اختیار مقام نظارتی است، تغییرات آن به دلیل وجود نهادهای خارج از نظارت و همچنین، به دلیل وجود عامل (q) که آنهم در اختیار مقام نظارت کننده نیست، نمی‌تواند نتایج مورد انتظار را داشته باشد.

۳) رابطه مستقیم و هم جهت بین نسبت اعتبارات W' و نرخ سپرده قانونی و نرخ ذخایر احتیاطی بانک‌ها (r) از نکات جالب توجه در رابطه شماره ۱۲ است. در حالیکه افزایش نسبت سپرده قانونی و به تبع آن، کاهش حجم اعتبارات و حجم نقدینگی یکی از ابزارهایی است که برای اجرای سیاست پولی انقباضی در دست بانک مرکزی است، استفاده از این ابزار در صورت حضور نهادهای پولی خارج از نظارت بانک مرکزی صرفاً موجب کاهش اعتبارات بانکی شده و اعتبارات و وام‌های نهادهای خارج از نظارت (در صورت ثابت بودن سایر شرایط) بدون تغییر مانده و در نتیجه، نسبت وام‌های این نهادها به اعتبارات بانکی افزایش می‌یابد و در واقع، فقط بخشی از نظام پولی و مالی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و نه همه آن.

۴) به عنوان آخرین نتیجه می‌توان گفت که شاید نگرانی مقامات پولی و اقتصادی کشور در خصوص فقدان نظارت بر تعاونی‌های اعتبار و صندوق‌های قرض‌الحسنه چندان بیجا نباشد.

■



فقر و مشکل دریافت قرض‌الحسنه

پای صحبت کسانی که قرض‌الحسنه می‌دهند و کسانی که می‌گیرند

اشرف محمدنیا

○ قرض‌الحسنه پرداختی بانک‌ها یا صندوق‌های قرض‌الحسنه، به مثابه داروی مسکنی است که موقتاً مشکل افراد را حل می‌کند.

پرداخت وام به صورت «قرض‌الحسنه» یکی از سنت‌های نیکو و روش‌های کارآمد در جامعه اسلامی است که از دیرباز در کشور ما مورد توجه قرار داشته است و ردیابی این سنت در تاریخ معاصر نشان می‌دهد که از سی و دو سال پیش فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه در کشور از تهران شروع شد و تعداد این صندوق‌ها به سرعت افزایش یافت و به ۲۰۰ صندوق در سراسر کشور رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم سنت زیبای قرض‌الحسنه بیشتر مورد توجه نیکوکاران و افراد خیر